



پیش از این گفته شد ممالیک مصر، یمن را به ترکان عثمانی واگذار کردند و اینچنین شد که زیدیان که به مقابله با آنها پرداختند همچون قهرمانان ملی شناخته شدند. شیخ مفید در تعریف زیدیه می‌گوید: زیدیه به امامت علی، حسن، حسین و زید بن علی قائل هستند و نیز امامت هر فاطمی را که عادل و اهل علم و شجاع باشد، می‌پذیرند. زید در سال ۱۲۲ هجری قمری به خونخواهی شهدای کربلا، علیه حکومت وقت یعنی هشام بن عبدالملک اموی قیام کرد و سرانجام کشته شد. این در حالی است که زید خود را هیچگاه امام نمی‌دانست اما به‌دلیل عقاید خاص، پیروانش وی را امام می‌دانستند و در قیام وی نیز شرکت کردند. تعدادی از پیروان زید در این قیام که به خونخواهی امام حسین(ع) انجامید، کشته شدند. «ابن اثیر» می‌نویسد که پس از خروج زید، جماعتی از پیروان وی، نظرها را دربارۀ ابوبکر و عمر جویا شدند که او در پاسخ گفت: «خداوند آن دو را رحمت کند، من از اهل بیت هستم و چیزی جز نیکی درباره آن دو ننشیدم اما ما نسبت به خلافت بیش از همه سزاوارتریم.» آن جماعت پرسیدند: «پس اگر این دو ظالم نبودند بنابراین اینها (امویان) نیز ظالم نیستند.» که زید گفت: «امویان مانند این دو نیستند؛ اینها (امویان) به ما و شما و به خود ظلم می‌کنند و من شما را به کتاب خدا و سنت و بر پا داشتن سنت‌ها و از میان بردن بدعت‌ها دعوت می‌کنم.» بنابراین به‌نظر می‌رسد زید می‌خواست در پیجوبحه جهاد ضدبنی‌امیه، مسائل اختلافی دیگر مطرح نشود و با بیان تفاوت بنی‌امیه و ۲ خلیفه اول طبرق خود را علیه امویان توجیه کند. با توجه به این دیدگاه زید، پیروان وی اصل جواز خلافت مفضول با وجود افضل را به‌عنوان یک اساس پذیرفتند.

زیدیان پیش از صلیحیان در یمن حکومتی را تشکیل دادند و تا یکصد سال قدرت غالب منطقه یمن محسوب می‌شدند. با اینکه زیدیان قدرت را به صلیحیان واگذار کردند اما باقی خود را تا انقلاب ۱۹۶۲ حفظ کردند. این خلسدون در تاریخ خود می‌نویسند که عمده امامان زیدیه که به پادشاهان زیدیه نیز معروف بودند از بنی‌رسی بودند که خود به طایفه‌های گوناگون تقسیم می‌شدند که قاسمیان و آل طباطبای از آن جمله‌اند. رسی منسوب به زمین‌هایی اطراف مکه است که «رس» نامیده می‌شدند و نیای ایشان قاسم رسی علوی مالک آنها بوده است.

نوه او یحیی را که بعدها به هادی الحق معروف شد قبیایل ساکن در ارتفاعات یمن برای قضاوت و… به یمن دعوت کردند و او دعوتشان را پذیرفت و به یمن رفت و به ترویج عقاید زیدیه پرداخت. اگرچه او نتوانست ساختاری نظام‌مند در ارتفاعات شمال یمن ایجاد کند و حکومتی قایل توجه تشکیل دهد اما فعالیت‌های او که از حجاز آمده بود خاندانش را به خاندانی قدرتمند در میان یمنی‌های شمال تبدیل کرد که به مدت هزار سال امامان زیدیه را در یمن تشکیل می‌دادند، در حالی‌که اساسا در یمن تا پیش

گزارش

تنها هزینه‌های این قبیل همایش‌ها عبارت است می‌شود
■ هزینه‌های ایاب و ذهاب استاد مدعو به‌علاوه پذیرایی چای و بعضاً بیسکویتی بسیار ساده در فاصله تنفس میان ارائه مقاله و شروع سولات با انتقادات. در این قبیل همایش‌ها، ابتدا چیزی به نام مناظره یا مناقشه به منظور اثبات یا ابطال موضعی یا اسکات استاد صاحب نظر صورت نمی‌گیرد. مستمعان صرفاً آرا و نظر خود را مطرح می‌کنند و استاد صریحاً پس از شنیدن واکنش‌ها، نظر خود را دربراره برخی یا همه آنها بیان می‌کند. آنچه بسیار جالب توجه است تداول ذکر این قبیل جملات توسط استاد مدعو است: «تا به حال درباره فلان سوال یا نکته فکر نکرده بودم.» «فلان نکته یا ملاحظه بسیار جالب است و جادارد در اصلاح مقاله‌ام از آن استفاده کنم.»
■ استاد مدعو مقاله خود را در چند دانشگاه دیگر نیز ارائه می‌کند و پس از بهره‌برداری از جمیع انتقادات و پیشنهادها، مقاله نهایی‌شده خود را با قدردانی از انتقادات اساتید ذی‌ربط آن دانشگاه‌ها، به فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی ارسال می‌کند و چنین است روایت چگونگی ظهور آن همه مقالات پژوهشی نواورانه که در دنیا شناخته‌شده است.

اسا در دانشگاه‌ها و حوزه‌های ایران معاصر یا کمترین نشانی از این قبیل تعاملات که جدی‌ترین بسترهای زایش و رویش بارقه‌ها و جوانه‌های آرا و نظر است، دیده نمی‌شود یا بسیار به ندرت به چشم

پس از آن قاسم بن علی عیانی به امامت زیدیان

رسید. او از نوادگان قاسم رسی بود و از طریق عبدالله به قاسم می‌رسید و از این رو به عیانی شهرت یافت در عیان در جنوب صعده مدفون شد. امامت او از صنعا تا ذمار گسترده بود و امیر اسعد بن عبدالله با او بیعت کرد و تاج‌الدین در کحلان به نام او خطبه خواند و هدایایی برای او فرستاد لکن مردم نجران و برخی زیدیان سرر از فرمان او تافتند و او چند بار با ایشان جنگید و سرانجام به نفع داعی یوسف، از مدعیان حکومت رسی، از امامت کناره‌گیری کرد. داعی الی‌الله یوسف بن یحیی بن احمد ناصر فقیه بود و گفته‌اند بیش از ۱۰۰ جلد کتاب نوشته بود، با این حال جزئیات زندگی او در دست نیست و فرمانروایی کامل او نیز در ابهام قرار دارد. با این حال در ریده قیام کرد و خود را داعی الی‌الله خواند و پس از چندی وارد صعده شد و مدتی در آنجا ماند. پس از آن به سوی صنعا، نجران، ذمار و انس پیشروی کرد و میان او و دیگر امیران یمن

و نوادگان او در اهواز و واسط مقیم شدند. یحیی بن احمد بر سر فرمانروایی با برادرش جنگید و ملقب به منصور شد و ابوالفضل رشیدالدین به حلب رفت.

برخی دیگر از فرزندان احمد نیز به مصر سفر کردند و در آنجا ساکن شدند.
پس از آن قاسم بن علی عیانی به امامت زیدیان رسید. او از نوادگان قاسم رسی بود و از طریق عبدالله به قاسم می‌رسید و از این رو به عیانی شهرت یافت در عیان در جنوب صعده مدفون شد. امامت او از صنعا تا ذمار گسترده بود و امیر اسعد بن عبدالله با او بیعت کرد و تاج‌الدین در کحلان به نام او خطبه خواند و هدایایی برای او فرستاد لکن مردم نجران و برخی زیدیان سرر از فرمان او تافتند و او چند بار با ایشان جنگید و سرانجام به نفع داعی یوسف، از مدعیان حکومت رسی، از امامت کناره‌گیری کرد. داعی الی‌الله یوسف بن یحیی بن احمد ناصر فقیه بود و گفته‌اند بیش از ۱۰۰ جلد کتاب نوشته بود، با این حال جزئیات زندگی او در دست نیست و فرمانروایی کامل او نیز در ابهام قرار دارد. با این حال در ریده قیام کرد و خود را داعی الی‌الله خواند و پس از چندی وارد صعده شد و مدتی در آنجا ماند. پس از آن به سوی صنعا، نجران، ذمار و انس پیشروی کرد و میان او و دیگر امیران یمن

بار شهر صنعا را از دست مخالفان خود بازیس گرفت؛ بار اول از امیر جکر بن محمد کردی از آل‌معز و بار دیگر از ایوبیان مصر که بر یمن حاکم شده بودند. از او تاالیفات بسیاری بر جا مانده است من جمله الشافی در علم کلام، المذهب، زیاده الادله العقلیه، صفوه الاختیارات؛ حدیقه الحکمه النبوه فی شرح الاربعین الحدیث السلسلیقه و… وی در ادبیات و شعر عرب نیز توانا بود و شاگردان بسیاری از حوزه درس او بیرون آمدند. عبدالله حمزه در دژ کوکبان در گذشت و در قلعه «ظفار داوود» به خاک سپرده شد. پس از آن دوره‌ای آشفتگی حاکم شد تا اینکه موطنی بن حسین به امامت زیدیان رسید و بعد از او نیز امام مهدی ابوطیبر احمد بن حسین به امامت رسید. او با آل‌رسول جنگید و بر شیب حاکم شد لکن شیخ احمد بن محمد رصاص به تحریک مظفر رسولی طغیان کرد و به جنگ با ابوطیبر برخاست. ابوطیبر در این جنگ کشته شد و پیکر او را در ذیبین به خاک سپردند. امام بعدی احمد بن مطهر بن یحیی بود که نسیبش به یحیی الهادی می‌رسد و پس از در گذشت پدر، مردم حوث با او بیعت کردند و این همزمان بود با امارت المؤید از بنی رسول که تقریباً بر تمام یمن حاکم بود. با این حال مهدی به کمک کردان متقیم بعد بر روستاهای نزدیک این شهر چیره شد. مؤید با لشکری بزرگ به جنگ وی آمد و پس از درگیری‌های طولانی سرانجام مهدی بر همه مناطق یمن دست یافت و پس از چندسال در در قلعه ذی مرمر در شمال شرقی صنعا درگذشت. پس از او امامان دیگری به زعامت زیدیه رسیدند و حاکمیت بنی رسی که به آل طباطبا نیز معروف بودند در ارتفاعات شمالی و بعضاً بر دیگر مناطق یمن ادامه یافت در حالی که بنی زریع، آل یعفر، حمدتیان و صلیحیان همچنان بر مناطق دیگر یمن حاکم بودند. با این حال تحت تأثیر حاکمیت‌های جنوب عموماً تحرکی از جانب ایشان رخ نداد و در دوره‌هایی نیز امامت زیدی بدون زعیم بود یا در مناطق مختلف افراد متفاوتی به صورت همزمان به‌عنوان امامان زیدی فعالیت می‌کردند. این وضعیت تا پایان هزاره اول هجری ادامه داشت و اگرچه استعمار گران اروپایی برای اولین بار برای حاکمیت بر دریای سرخ به منطقه وارد شده بودند اما برای زیدیان یمن تهدید اصلی نیروهای عثمانی بودند که تصمیم داشتند قبیایل ارتفاعات یمن را مطیع استانبول کنند. در ابتدای قرن ۱۷ میلادی قاسم المنصور علیه ترکان به پا خاست. او که از نوادگان امام داعی الیوسف بود در مسجد داوود صنعا به تعلیم علوم دینی مشغول بود لکن پدرش به حمایت از امام المظهر با نیروهای عثمانی جنگیده بود اما مقاومت‌ها علیه ترکان به شکست انجامید. پس از ادعای امامت قاسم المنصور، زیدیان به دور او جمع شدند و بنی اجنوم از او حمایت کردند. با این حال با شروع زمان سنگین بود و ایشان را عقب زدن تا اینکه امیر منطقه حجه به او پیوست و این امر باعث تثبیت نیروهای زیدیه شد تا اینکه در سال ۱۰۱۵ هجری قمری معاهده‌ی بین فرماندار عثمانی «سنسان» با قاسم

بررسی گذشته و حال جنوبی ترین کشور شبه جزیره عرب – ۳

زیدیان یمن

- محمداصق حاج‌صدی

بسته شد و به‌موجب آن اختیار مناطقی که زیدیه در شمال به تصرف در آورده بود به قاسم المنصور سپرده شد و حاکمیت وی بر آنها رسمیت یافت. پس از آن و به‌واسطه درگیری‌های داخلی بین ترکان، شمال به حال خود رها شد و همین امر باعث تحکیم قدرت امامت زیدی شد و موجب شد در سال ۱۰۲۶ صده سقوط کند. ضعف و تفرقه ترکان عثمانی در یمن و دوری آن از مرکز امپراتوری باعث شد تا ۲ سال بعد پیمان آتش‌سیسی بین زیدیان بنی رسی و ترکان بسته شود و حاکمیت قاسم المنصور بر صده تا صنعا به رسمیت شناخته شود. با این حال وقتی او در سال ۱۰۲۹ در گذشت، صنعا و منطقه ساحلی تهلمه همچنان در دست ترکان بود. پس از پدر، محمد المعید وارث امامت شد و با پشتوانه نیروهای بومی ترکان را از یمن اخراج کرد و بدین شکل حاکمیت مطلق امامت زیدی بر یمن تحت عنوان ملوک زیدیه یا قاسمیان یمن شکل گرفت. قاسمیان که با بیرون راندن اشغالگران عثمانی در میان غیززیدیه نیز جایگاهی درخور یافته بودند با استفاده از سود حاصل از تجارت قهوه که از بندر مخا صورت می‌گرفت قدرت یافتند و حاکیتی دودمانی در یمن ایجاد کردند که برخلاف آنچه در میان ائمه زیدی شکل گرفته بود از پدر به پسر منتقل می‌شد. امام زیدیه تا بیش از یک قرن با قدرت

ادامه یافت تا اینکه در قرن ۱۸ رو به زوال نهاد. تولید قهوه در دیگر مناطق جهان و کم شدن ارزش تجاری مخا و بنادر یمن برای تجارت قهوه، توان اقتصادی زیدیان را کاهش داد و درگیری‌های بی‌دری بی‌عثمانیان و وجود نیروهای گریز از مرکز قبیایل دیگر که به‌واسطه جغرافیای یمن تقویت می‌شد از قدرت سیاسی آنها کاست. شورش‌های بی‌دری حاکمان محلی و قبیایل بومی مانند حمدتیان، بنی حشیش و بنو حارث و درگیری‌های همیشگی با بنی‌رسول و طاهریان از آن جمله است. بعضاً نیز افراد چندی از این خاندان با داعیه امامت و کسب قدرت سیاسی قیام می‌کردند و به رقابت سیاسی برمی‌خاستند، مانند سنستیز میان مهدی صاحب مواهب و پسرعمویش منصور حسین بن قاسم از یکسو و مهدی و متوکل قاسم بن حسین از سوی دیگر که موجب ضعف حکومت شد تا بدانجا که گاهی چند امام همزمان در میان زیدیه فرمان می‌راندند و آن را به نوعی ملوک‌الطوایفی تبدیل کردند. در سال ۱۲۶۹ هجری فرمانروایی از آل قاسم بیرون رفت و منصور محمد بن عبدالله به قدرت رسید. در حالی که همزمان ۵ امام دیگر در میان زیدیه حاکم بودند. این روال اضمحلال همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۸۴۸ بار دیگر ترکان عثمانی بر یمن چیره شدند و حاکمیت آنان تا پایان جنگ اول جهانی و فروپاشی عثمانی ادامه یافت تا اینکه امام متوکل یحیی محمد حمدالدین آنها را از یمن اخراج کرد و دور دوم حاکمیت زیدیان این بار به‌دست طایفه متوکلیان آغاز شد. امام متوکل از سال ۱۹۱۸ به‌عنوان امام زیدیه و حاکم یمن و پس از او فرزندش احمد ۴۴ سال بر یمن حکومت کردند در این بین مرزهای یمن را تثبیت و حکومت مرکزی را تقویت کردند. با این حال به مرور زمان پس از آن دو حاکمیت زیدیان در یمن رو به زوال نهاد و بسا آغاز دهه ۶۰ میلادی و انقلاب عبدالله السلال پایان یافت که به جزئیات آن در شمارهای بعد پرداخته خواهد شد.

منافع شخصی، درآمد و موقعیت برتر و بهتر شغلی است، در هر کجا و ناکجا آبادی که بتوان آنها را بیشتر تأمین کرد. و اگر بر این باوریم که افرادی- اگر چه کم- هستند که استثنائا بر قاعده و روند فوق هستند، باید به خود یادآور شویم که آن استثنائات تنها نشان‌دهنده و ابرام‌کننده آن قاعده و روند عمومی است. استثنائاتی که ریشه قلب و وجودشان در خاک دیگری خانه دارد و از آب دیگری تغذی می‌شود. استثنائاتی خلاف قاعده!

آیا تابه‌حال دقت کرده‌اید که چه تعداد از آثار مکتوب و منتشرشده عالمان- اعم از کتاب یا مقاله- توسط همکسوتان ایشان مورد معرفی و ارزیابی تحلیلی و نقادانه قرار می‌گیرد؟ تقریباً نزدیک به صفر. اما چرا؟ شاید به تبیین این وضعیت فاجعه‌آمیز کمک کند اگر توجه کنیم که در موارد بسیار نادری که کتابی مورد ارزیابی نقادانه قرار می‌گیرد، پای مؤسسه یا نهادهی به‌طور جدی در میان است و هم اوست که هر نوع آن و اجازه و رضایت نویسنده اثر را طی سلسله مذاکراتی به نحوی حاصل کرده‌است. تبیین این وضعیت فاجعه‌آمیز، خیلی ساده‌ای این است که برخی عالمان دانشگاهی و حوزوی از ارزیابی انتقادی اثر خود بی‌مناک و ناراضی‌اند یا دست‌کم نسبت به آن بی‌میل هستند. آیا تابه‌حال دقت کرده‌اید که چه تعداد از آثار مکتوب و منتشرشده عالمان- اعم از کتاب یا مقاله- توسط همکسوتان ایشان مورد معرفی و ارزیابی تحلیلی و نقادانه قرار می‌گیرد؟ تقریباً نزدیک به صفر.

پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۴

تقریب تاریخ

یورش صهیونیست‌ها به فلسطینیان در آستانه تشکیل اسرائیل (۱۹۴۸م)
در روز شانزدهم آوریل ۱۹۴۸م، صهیونیست‌های مسلح در حمله به اردوگاه سابق ارتش انگلستان در تل لیتفسکی در فلسطین، ۹۰ فلسطینی را کشته و تعدادی را مجروح کردند. این فاجعه زمانی روی داد که از یک طرف نیروهای انگلیسی در حال ترک پادگان‌ها و اردوگاه‌های خود و بازگشت به میهن‌شان بودند و از طرف دیگر صهیونیست‌ها عملیات کنشار فلسطینی‌ها بی‌گناه را با هدف تشکیل دولت نامشروع صهیونیستی تشدید کرده بودند. نتیجه این اقدامات هماهنگ انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها علیه مسلمانان فلسطینی، قتل‌عام و آوارگی تعداد زیادی از آنان و اعلام موجودیت رژیم اشغالگر قدس در یک ماه بعد بود.

■ ■ ■
آغاز تهاجم ترک‌های عثمانی علیه امپراتوری روم شرقی (۱۴۵۳م)

امپراتوری روم شرقی با ییزانس با تقسیم امپراتوری روم باستان در اواخر قرن چهارم میلادی شکل گرفت. حدود جغرافیایی این امپراتوری متغیر بوده اما می‌توان شبه‌جزیره بالکان و آسیای صغیر را قسمت عمده آن دانست. این امپراتوری در مدت عمر هزار ساله‌اش با مهاجمان خارجی مانند بلغارها، اسلاوها، ترک‌ها، اعراب و ایرانیان مواجه بوده است. اولین امپراتور ییزانس در سال ۳۹۵م به سلطنت رسید و پس از وی حدود ۸۰ نفر در این مسندت قرار گرفتند. در قرون پانمی، این امپراتوری با تهاجم ترک‌های عثمانی مواجه بود اما همچنان به مقاومت خود ادامه می‌داد و اگرچه از دولت‌های اروپایی کمک طلبید اما این درخواست کمک، بی‌پاسخ ماند. سرانجام در دوره کنستانتین یازدهم، شهر قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی که ارتش وی تصرف شد. سلطان عثمانی که ۲ سال قبل از آن به حکومت رسیده بود با تدارک لشکری عظیم و نیز تهیه تجهیزات جنگی و از جمله توپ‌هایی با گلوله نیم تنی، در ۱۶ آوریل ۱۴۵۳ حمله خود را آغاز کرد و در روز ۲۹ مه آن سال تهاجم نهایی را عملی کرد. در جریان این حمله امپراتور روم کشته شد و شهر به تصرف ترک‌ها درآمد و امپراتوری روم شرقی سقوط کرد. تاریخ‌نگاران این مقطع را آغاز «عصر جدید» می‌دانند.

■ ■ ■
مصطلح شدن عبارت «جنگ سرد» بین بلوک شرق و غرب (۱۹۴۷م)



پس از جنگ جهانی دوم، بر سر مسائلی چون سرزوشست آلمان، اروپای خاوری و حکومت این کشورها و… اختلافاتی بین امریکا و هم‌پیمانانش با شوروی پدید آمد که باعث جنگ تبلیغاتی وسیعی علیه یکدیگر شد. این جنگ رسانهای و تبلیغاتی در نهایت توسط برنارد باروک، سیاستمدار آمریکایی به‌عنوان جنگ سرد مطرح شد و این واژه از این زمان برای توصیف روابط شرق و غرب وارد فرهنگ سیاسی جهان شد. به بیان دیگر جنگ سرد اصطلاحی است که نخستین بار درباره جنگ روانی و تبلیغاتی بین شوروی و کشورهای کمونیست از یک طرف و کشورهای بلوک غرب از سوی دیگر به کار برده شد. در این جنگ، کشورهای متخاصم به جای توسل به زور و اقدام به جنگ، به تبلیغات و عملیات ایدایی علیه یکدیگر اکتفا می‌کنند. در جنگ سرد همچنین حالت کشمکش دو کشور که هر یک می‌کوشد خود را قوی و کشور مقابل را ضعیف نشان دهد به وفور دیده می‌شود. در این میان، کشورهای بلوک شرق و غرب، پیمان‌های متعددی علیه هم منعقد کردند که انعقاد پیمان‌های ناتو، ستیو و پیمان‌های دوجانبه امریکا با کشورهای جهان سوم به منظور قرنطینه و محاصره بلوک کمونیست، و نیز پیمان ورشو در شرق، از جمله عوامل و جنبه‌های دیگر جنگ سرد به شمار می‌آیند. نخستین دوره جنگ سرد از سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۲م ادامه داشت و با مرگ رهبران پیشین امریکا و شوروی، دوره تازه جنگ سرد تا اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز ادامه یافت. به طور کلی ویژگی‌های جنگ سرد عبارت است از: آماده‌سازی نیروهای نظامی ایالات و مسلح شدن به سلاح‌های هسته‌ای، مبارزه تبلیغاتی بسیار فشرده در دو طرف، عدم انجام هیچ گفت‌وگوی موفقیت‌آمیز بین طرفین و سرایت کشاکش کمونیسم و سرمایه‌داری به جهان سوم.



اگر قدری ذره‌بین‌های مشاهدتی خود را ریزبین‌تر و حساس‌تر کرده متمرکز بر گفت‌وگوهای سرپایی در تنفس‌ها و کیمیا درواخیم، یافت این به‌اصطلاح همایش‌ها عموماً دارای ۳ کارکرد عمده هستند: که کی نخست، ایجاد سروصدای رسانه‌ای برای برکردن چشم و دل عامه مردم. دوم، رساندن این پیام به مسؤولان عالی‌رتبه‌دستگاه مربوط و سایر مسؤولان حکومتی که ما مشغول کارهای مهمی در سطح ملی یا بین‌المللی هستیم، سوم و به همان اندازه مهم، آشناندن با افراد مختلف و یافتن ارتباطات «سودمند» که کی کجاست و مشغول چه کاری است و چگونه می‌توان در زمینه مربوط و در زمانی مناسب، به‌واسطه این آشنایی، ارتباطی برقرار کرد. گذشته از کارکردهای عمده فوق، کارکردهای دیگری نیز منصور و ممکن است. اساتید دانشگاهی در اکثر قریب به اتفاق

چالش‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ایران – ۳

- محمدرضا حیاتی

می‌خورد. اگر کمترین شکی در این زمینه وجود دارد بهترین راه، جست‌وجو برای یافتن و اعلام موارد نقیض است اما آنچه مهم است در اینجا متعوض نمی‌شویم تبیین این پدیده است. چنانچه خواسته باشیم تعارف و تکلف را دست‌کم در این زمینه‌های حیاتی منبایی کنار بگذاریم باید صریح و بی‌پرده اعتراف کنیم که ریشه نهایی این عدم تعامل مطلق را باید در این بینش شگفت‌انگیز و اندیشه‌سوز یافت که اساتید دانشگاهی و حوزوی، و حتی زدن شاخ و برگ‌های انواع تعارف و تواضع و شکست‌منفسی‌های ظاهری و غیروفاقی، عموماً خود را قله‌های خودبستند رفیع‌منبعی از علم و دانش و بصیرت می‌بینند به‌نحوی که تراوشات مغزی‌شان هیچ نیازی به تعامل و تضارب با سایر همکسوتان‌شان ندارد. هر یک از این چشمه‌های جوشان حقایق، معرفت زلال را به تنهایی می‌یابد و دیگر چه نیاز به گفت‌وگو و تعامل فردی یا جمعی.

■ **کارکرد همایش‌ها چیست؟**

بی‌جهت نیست که این قبیل تعاملات را یا نمی‌توان یا بندرت می‌توان یافت در عوض، با تعداد سرسنام‌آوری از همایش‌های برزق‌وبرق و پریخت‌وپاش ملی و بین‌المللی مواجه می‌شویم که